

# ادبیات انقلاب در آکادمی

پیروزی انقلاب اسلامی نوعی بازنگری را در همه عرصه‌ها رقم زد. بازگشت به آموزه‌های انبیا و باور به این جهانی نبودن نوع بشر در شرایطی توسط بنیان‌گذار انقلاب خمینی بزرگ مطرح می‌شد که در آن سوی میدان تمدن امروز که بازماندگان قوم شعراری بودند سال‌ها قبل در بیانیه‌ای اعلام نمودند که خداوندگار مرده است و انسان از این پس می‌باید به زمین معتقد باشد و مدینه فاضله خود را در زمین بسازد. بگذاریم و بگذریم. یکی از پهنه‌هایی که حامل این نوع رویکرد به جهان بود عرصه ادبیات بود که چنان‌که معمول در ایران زمین است همیشه پیامدار فرهنگ بوده است. تاریخ ادبیات ایران نشان می‌دهد که جز در سده اخیر ادبیات ما معرکه و محل بروز اندیشه‌های دینی بوده است به سخن دیگر در کنار انقلاب اسلامی نوعی انقلاب ادبی در ایران به وقوع پیوست و شاعران و نویسندگان ما در یک بازگشت ادبی پیوند دیرینه خود را با گذشته پرافتخار خود به یاد آوردند ظهور بزرگانی مثل علی معلم، قیصر امین‌پور، مرحوم سید حسن حسینی، مهرداد اوستا و سلمان هراتی و طاهره صفارزاده و علی موسوی گرمارودی و یوسف‌علی میرشکاک... گواه بر این مدعاست.

اما دانشگاه‌ها در ترویج این آموزه‌ها چه کار کردند و عملکرد دانشگاه در شناساندن این ادبیات فاخر چه بوده است. پرسشی است که پاسخ آن را بی‌هیچ‌گونه توضیحی از زبان اساتید گران‌قدر دانشگاه می‌خوانیم.

عباس یکرنگی



### حسن دلبری: استادان دانشگاه به جریان کلی ادبیات انقلاب اشراف ندارند

اگر می‌خواهیم ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها به جایگاه شایسته خودش برسد، استفاده از شاعران تحصیل کرده‌ای که در جریان وقایع روز شعر و ادب انقلاب قرار دارند برای ارائه این درس ضروری است. استاد دانشگاه تربیت معلم سبزواری با بیان اینکه غالب استادان دانشگاه که میانگین سنی بالایی هم دارند، به جریان‌های کلی ادبیات انقلاب اشراف ندارند و آن را به‌درستی نمی‌شناسند، می‌افزاید: «شاعران معاصر که با شعر انقلاب درگیر هستند و همراه با تحولات آن پیش می‌روند در ارائه درس ادبیات انقلاب به مراتب از استادانی که در گوشه کتابخانه‌ها به تحقیق و پژوهش پیرامون ادبیات کهن می‌پردازند و عضو هیئت علمی دانشگاه هم هستند، موفق‌تر عمل می‌کنند.»

دلبری کمبود منابع را از دلایل عمده بی‌توجهی به این ژانر ادبی عنوان می‌کند و می‌گوید: «اگرچه دو واحد اختیاری برای پرداختن به این درس نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای دانشجویان باشد، اما دسترسی به منابع همان کتاب هم برای دانشجویان و حتی استادان میسر نیست و چون کتاب‌های موجود در بازار به این منظور خاص نوشته نشده‌اند، نمی‌توانند گرهی از مشکلات باز کنند.»

سراینده کتاب *چشم‌ان من جنون تماشا گرفته‌اند* در ادامه به مشکلات فراوی دانشجویانی که ادبیات انقلاب را به‌عنوان موضوع پایان‌نامه تحصیلات خود برمی‌گزینند اشاره‌ای این چنین دارد: با توجه به کمبود شدید منابع معتبر این دانشجویان باید از چنان قدرت تحلیلی برخوردار باشند که از مجموعه آثار منظوم و منثور به‌عنوان منبع استفاده کنند و این مسأله به بی‌ربطی دانشجویان در پرداختن به موضوعات ادبیات انقلاب دامن می‌زند.

دلبری در پایان اظهار امیدواری می‌کند: امیدوارم دانشگاه‌ها در سایه تغییر نگرش خود نسبت به جریان‌های ادبی انقلاب نقش مؤثرتری در پیشبرد و هدایت آن ایفا کنند.

دکتر مهین پناهی: اختصاص چند واحد درسی کافی نیست  
دکتر مهین پناهی گفت: «قسمت قابل توجهی از فرهنگ و ادبیات ما مربوط به انقلاب است با وجود این رشد چندانی در دانشگاه‌ها و مدارس نداشته است.»

مدیر گروه ادبیات دانشگاه الزهرا با بیان اینکه دانشگاه‌ها نگاه جدی به ادبیات انقلاب ندارند، اظهار می‌دارد: «متأسفانه به‌جز یک سمینار که در دانشگاه تربیت مدرس و با همکاری سمت و شورای انقلاب فرهنگی در سال ۷۰ برگزار شد، کار جدی دیگری در این حوزه صورت نگرفته است.»

وی می‌افزاید: «بیشتر توجه دانشگاه‌ها به ادبیات قبل از انقلاب است، حتی در پایان‌نامه‌ها نیز بیشتر به نقد محتوایی و فرمالیستی و تحلیل یا نقد ذهن و زبان نویسندگان و شاعران توجه می‌شود تا ادبیات انقلاب.»

نویسنده کتاب *سبوی سبز* تصریح می‌کند: جا دارد از سوی نهادهای فرهنگی و وزارت علوم و آموزش عالی از دانشجویانی که برای نوشتن رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی خود موضوعات مختلف ادبیات انقلاب را مورد بررسی و نگارش قرار می‌دهند تقدیر به عمل آید تا دانشجویان دیگر نیز برای کار کردن در این زمینه رغبت داشته باشند. پناهی با بیان اینکه آنچه تا به حال در حوزه ادبیات انقلاب انجام شده است همه بر اساس انگیزه شخصی استادان و دانشجویان بوده است، ادامه می‌دهد: متأسفانه بعد از انقلاب کتاب مستقلی درباره تاریخ و ادبیات انقلاب تألیف نشده و هنوز هم همان کتاب‌های قدیمی تدریس می‌شود و به نوعی اختصاص چهار واحد درسی برای این مقوله کافی نیست.

استاد دانشگاه الزهرا در پایان می‌گوید: «با توجه به اینکه بخش بزرگی از ادبیات و فرهنگ ما را انقلاب و ادبیات آن تشکیل می‌دهد. گنجاندن بخشی از ادبیات انقلاب در دروس دانشگاهی که موجب بیداری و انقلاب مردم شده است، همچنین برگزاری سمینارهایی در این حوزه می‌تواند به ترویج ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها کمک کند.»





**دکتر اسماعیل حاکمی: باید به ادبیات انقلاب توجه بیشتری شود**  
دکتر اسماعیل حاکمی گفت: در دوره دکترا و کارشناسی ارشد درسی از ادبیات انقلاب نیست. شایسته است امروز که ستاد انقلاب فرهنگی همانند گذشته فعالیت نمی کند سی واحد درسی به ادبیات انقلاب اختصاص داده شود.

استاد ادبیات دانشگاه تهران درباره نگاه دانشگاه‌ها به ادبیات انقلاب می‌گوید: «انقلاب اسلامی ریشه در گذشته دارد و نهالی چندروزه نیست و آغاز آن زمان نهضت ملی شدن نفت است که با انقلاب اسلامی به نقطه اوج خود رسید»

وی در ادامه می‌افزاید: «در اوایل انقلاب شاعرانی همچون مرحوم دکتر ناظرزاده کرمانی، مرحوم ابوالقاسم حالت و دکتر مهدی حمیدی شیرازی، شعرهایی مذهبی و دینی را به حوزه ادبی دانشگاه‌ها وارد کردند و تا حدی باعث رشد شعر انقلاب شدند»

نویسنده کتاب *ترجمان البلاغه* در صنایع شعری با بیان اینکه در سال‌های آغازین تدریس ادبیات انقلاب از کتاب‌های *عدل الهی و تماشاگاه راز* استاد مطهری استفاده فراوانی شد، می‌افزاید: «تماشاگاه راز استاد مطهری و دفاعیات او در این کتاب از اشعار حافظ مجوزی برای ورود ادبیات عرفانی و ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها شد و اگر این کتاب نبود انتقادهای تند و بی‌اساس عده‌ای که درک صحیحی از شعر حافظ نداشتند و آن را زمینه‌ساز ترویج مفاهیم ضد اخلاقی و دینی می‌دانستند اجازه ورود این اشعار را به دانشگاه‌ها نمی‌دادند»

صاحب مجموعه مقالات «طهران آدمیت» نظر به اینکه به حد کافی توجهی به ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها نمی‌شود، می‌گوید: «با توجه به اینکه بعد از انقلاب شاعران بزرگی مثل، علی معلم، حمید سبزواری، محمود شاهرخی، نصرالله مردانی و بسیاری دیگر از شاعران ظهور کردند اختصاص دو واحد درسی برای این مقوله کافی نیست»

دکتر حاکمی به پیشینه ادبیات انقلاب اشاره می‌کند: ادبیات انقلاب محصول فرایندی است که از دوران مشروطیت و با ظهور شاعران بزرگی چون فرخی، عشقی، بهار، عارف آغاز شد که در بهمن‌ماه سال ۵۷ با انقلاب امام خمینی به اوج خودش رسید و باید گفت انقلاب اسلامی شعله‌ای بود که ادامه همان آتش مقدس مبارزات دوران مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت بود.

نویسنده کتاب *آئین فتوت و جوانمردی* در توضیح می‌آورد: در دوره دکترا و کارشناسی ارشد درسی از ادبیات انقلاب نیست. شایسته است امروز که ستاد انقلاب فرهنگی همانند گذشته فعالیت نمی‌کند و بخشی از فعالیت‌های خود را به گروه‌های دیگر واگذار کرده تا حد سی واحد درسی به ادبیات انقلاب اختصاص داده شود و به‌طوری‌که در دوره دکترا و کارشناسی ارشد نیز این دروس گنجانده لحاظ گردد.

دکتر حاکمی در پایان تأکید می‌کند: متأسفانه بعد از انقلاب کتاب مستقلی درباره تاریخ و ادبیات انقلاب تألیف نشده است و هنوز هم از کتاب صد و سی صفحه‌ای *ادبیات/انقلاب/اسلامی* که مطالبی از استاد مطهری و علامه طباطبایی در آن آمده است برای تدریس در دانشگاه‌ها استفاده می‌شود.

### دکتر احمد کرابی: ادبیات انقلاب صدای فطرت انسانی است

«متأسفانه در سرفصل‌هایی که وزارت علوم برای درس ادبیات معاصر تعیین کرده، ادبیات انقلاب گنجانده نشده است.»

این نویسنده و استاد دانشگاه بر این باور است ادبیات انقلاب صدای فطرت انسانی است و در این باره می‌گوید: «وقتی ادبیات از شعائر دین بارور شده باشد و صدای فطرت از آن به گوش برسد، مسلم است که دل‌های بیدار و جان‌های آگاه مجذوب آن می‌شوند و نه تنها از آن تأثیر می‌پذیرند بلکه در رشد و ارتقا آن نیز تأثیر می‌گذارند. این است که این نوع پویای ادبیات، تاریخ مصرف ندارد و نمی‌توان آن را در قالب‌های تنگ و ذوق و پسند گروه یا گروه‌هایی محصور کرد.»

وی ادامه داد: «ادبیات انقلاب بی‌شناسنامه نیست بلکه ریشه در رگ و خون انسان‌هایی دارد که یک‌شبه ره صدساله را طی کرده‌اند و به اوجی رسیده‌اند که عارفانی کامل آرزوی رسیدن به آن مقام را داشته‌اند از این رو این موضوعات باید به‌صورت یک ادبیات دائمی دربیاید چون تکرار آن‌ها مثل تکرار کلمه عشق است.»

وی همچنین با انتقاد از کم‌توجهی برخی مسئولان فرهنگی نسبت به مقوله ادبیات انقلاب، تصریح کرد: متأسفانه در سرفصل‌هایی که وزارت علوم برای درس ادبیات معاصر تعیین کرده است، ادبیات انقلاب گنجانده نشده و این به معنای نادیده انگاشتن سهم شاعران و ادیبانی چون علامه طباطبایی، علی معلم، سپیده کاشانی و حمید سبزواری در پیشبرد ادبیات کشور ما است.

وی در ادامه با تأکید بر نقش مؤثر نقدهای آگاهانه در ترویج و گسترش ادبیات انقلاب، یادآور شد: ادبیات انقلاب یک مقوله ادبی صرف نیست بلکه در بطن خود حاوی پیام‌های بلند و انسان‌سازی است که می‌تواند چراغ راه زندگی بشر قرار گیرد و اگر بگوییم در بعضی موارد مقدم بر ادبیات کلاسیک ما نیز هست ادعای گزافی نیست و این همه نیاز به وجود منتقدان آگاهی که این ظرایف و لطایف را برای قشرهای مختلف مردم حلاجی کنند را صدچندان می‌کند.

دکتر کرابی در پایان با انتقاد از نمود کم‌رنگ ادبیات انقلاب در رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویان، گفت: «در حال حاضر حجم اندکی از پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکترا به مقوله ادبیات انقلاب و جنگ اختصاص دارد و این از ضعف‌های مشهود نظام آموزش دانشگاهی در کشور ما است و چنانچه وضع بر همین منوال پیش برود نمی‌توان نسبت به آینده ادبی دانشگاه‌ها امیدوار بود.»



## دکتر حسین رزمجو: شاعران نان به نرخ روز خور سهمی در ادبیات انقلاب ندارند

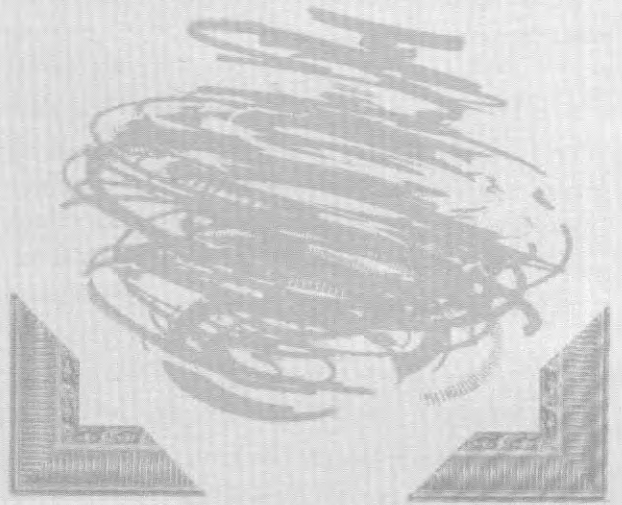
«اگرچه انقلاب اسلامی ریشه در جریان‌ات اجتماعی نیم‌قرن اخیر دارد اما انکار کردنی نیست که با پیروزی انقلاب فصل نوینی در ادبیات ما آغاز شد که امروز با عنوان "ادبیات انقلاب" شناخته می‌شود.»

استاد دانشگاه فردوسی مشهد، با تقسیم‌بندی شاعران به دو گروه پیشاهنگ و نان به نرخ روزخور، اظهار می‌دارد: گروه اول شاعرانی هستند که چه در دوران پیش از انقلاب و چه بعد از انقلاب تعهد و مسئولیت هنری خویش را از یاد نبرده‌اند و از موضع بی‌طرفانه به تحلیل و بزرگداشت شاعر دینی پرداخته‌اند که از آن میان چهره شاعر دردمند روزگار ما نصرالله مردانی از دیگران شاخص‌تر است. اما شاعرانی که همراه با تغییر اوضاع اجتماعی رنگ عوض می‌کنند و نان به نرخ روز می‌خورند هیچ سهمی در ارتقا کیفی آثار ادبی و به‌خصوص ادبیات انقلاب نداشته و ندارند.

وی در ادامه به انتقاد از استادانی که ضرورت‌های ادبی عصر حاضر را درک نمی‌کنند می‌پردازد و تصریح می‌کند: ارکان شعر فارسی و قله‌های بیرون از مه ادبیات بارور ما از فردوسی گرفته تا حافظ همگی شاعران نوپرداز زمان خودشان بوده‌اند و هریک از آنان چیزی بر ادبیات پیش از خودشان افزوده‌اند اما متأسفانه بعضی استادان سنت‌گرا بدون شناخت صحیح نیازهای عصر حاضر هیچ‌گونه نوآوری و ابداع فکری و ادبی را بر نمی‌تابند و با آن به مخالفت برمی‌خیزند که این مسأله به جریان ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها ضربه جدی وارد کرده است.

نویسنده کتاب پوستین وارونه با بیان اینکه ادبیات انقلاب بی‌شناسنامه نیست بلکه ریشه در جوهر قرآن و روح دین دارد، می‌افزاید: ارادت به خاندان عصمت و طهارت و بهره‌جستن از معارف دینی و الهی، رشد و ماندگاری ادبیات را ضمانت می‌کند کم‌اینکه حافظه تاریخ ادبیات امروز تنها شاعرانی را به یاد می‌آورد که در دریای معارف اسلامی غوطه‌ور بوده‌اند و اگر نامی از شاعرانی چون فردوسی و مولانا و سعدی و حافظ برده می‌شود به این دلیل است که آن‌ها شاگردان کوچک مکتب اسلام و قرآن بوده‌اند و هرچه کرده‌اند همه از دولت قرآن کرده‌اند.

دکتر رزمجو در پایان به پایان‌نامه‌های دانشجویانی که ادبیات انقلاب را موضوع تحقیق و پژوهش خود قرار داده‌اند اشاره می‌کند و می‌گوید: «تا کنون رساله‌های خوبی در این زمینه‌ها نوشته شده است که دسترسی به آن‌ها برای همه به‌سادگی میسر نیست و جا دارد نمونه‌های برتر آن رسالات در قالب کتاب به جامعه فرهنگ‌دوست و اهل ادب عرضه شود.»



## دکتر جلیل تجلیل: حق ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها ادا نمی‌شود

اگرچه دانشگاه‌ها تا کنون توجه خوبی به ادبیات انقلاب داشته‌اند اما هنوز تا رسیدن به سطح مطلوب خود فاصله زیادی دارند.

استاد دانشگاه تهران، ادبیات انقلاب را ادامه منطقی جریان ادبیات اسلامی می‌داند که با وقوع انقلاب اسلامی جان تازه‌ای گرفته است و می‌گوید: «این ادبیات از سرچشمه خروشان دین و آیات قرآن و احادیث و روایات پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع)، آغاز می‌شود و در این معنا در بیشینه هزارساله شعر فارسی هرچا سخن از خدا، رسول، قرآن، قبله، مناسک حج و دیگر آموزه‌های دینی رفته است به نوعی ادبیات انقلاب کبیر اسلامی محسوب می‌شود.»

وی همچنین با اشاره به شکوفایی ادبیات انقلاب در دو دهه اخیر، تصریح می‌کند: در این دوران شاعران بزرگی چون علی معلم، علی موسوی گرمارودی و علی‌رضا قزوه، با اتکا به سنت‌های اصیل و دیرپای شعر و ادب فارسی و با آگاهی از مفاهیم بلند دین و آموزه‌های رهایی‌بخش آن، توانستند در اشعارشان به امکانات جدیدی از زبان برسند که باید گفت امروز، چامه‌ها و ترانه‌های آن‌ها یکی از متبلورترین بلورهای ادبیات انقلاب اسلامی است.

وی بر ضرورت توجه بیشتر دانشگاه‌ها به جریان‌های ادبی روز، می‌افزاید: اگرچه درس مستقلی به نام ادبیات انقلاب اسلامی به طور رسمی وارد محافل دانشگاهی شده است و در مقطع کارشناسی تدریس می‌شود اما باید گفت حق ادبیات شکوهمند و بالنده انقلاب اسلامی با این دو واحد درسی ادا نمی‌شود و هنوز در این زمینه با کمبود و نارسایی بسیاری مواجه هستیم.

دکتر تجلیل در پایان توجه دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به ادبیات انقلاب اسلامی را مثبت ارزیابی می‌کند و در توضیح بیشتر تأکید می‌کند: خود من تا کنون مسئولیت نظارت بر چندین پایان‌نامه و رساله دانشگاهی را بر عهده داشته‌ام که حول محورهای ادبیات جنگ و شیوه‌های ادبی امام بوده است و بعضی از آن‌ها به‌صورت کتاب نیز منتشر شده‌اند و باید تلاش کرد این قبیل فعالیت‌ها در سطح تمام دانشگاه‌های ایران فراگیر شوند.





## دکتر سید احمد پارسا: رشته ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها گرایش‌بندی شود

ادبیات انقلاب به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از ادبیات معاصر با ظرفیت‌ها و امکانات ادبی فراوانی که دارد می‌تواند به‌عنوان یک گرایش مستقل از ادبیات فارسی مورد توجه قرار بگیرد.

پارسا با ابراز گلایه از روند تدریس ادبیات انقلاب می‌گوید: «از صد و سی شش واحد درسی که در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی ارائه می‌شود سهم کل ادبیات معاصر تنها چهار واحد است که از آن میان دو واحد به نظم و دو واحد دیگر به نثر ادبیات معاصر می‌پردازد و این دیگر بستگی به سلیقه و توانایی استاد مربوطه دارد که در این زمان محدود ادبیات انقلاب را نیز مورد بررسی قرار بدهد یا نه، اما آنچه مسلم است ادبیات معاصر و به تبع آن ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها مورد کم‌مهری واقع شده است.»

وی همچنین به ضرورت گرایش‌بندی رشته زبان و ادبیات فارسی اشاره کرد و افزود: شاید تنها رشته‌ای که در کشور ما گرایش‌بندی نشده است زبان و ادبیات فارسی باشد و در صورتی که وضع بر همین منوال باقی بماند و دانشگاه‌های ما ضرورت روزآمد کردن برنامه‌هایشان را درنباوند نمی‌توان نسبت به آینده ادبی آن‌ها امیدوار بود و این در حالی است که حتی در کشورهای دیگر که زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود با گرایش‌بندی آن اسلوب و شیوه صحیح‌تری از آموزش را به خدمت گرفته‌اند.

وی ادامه داد: به باور من ادبیات معاصر با ظرفیت‌ها و امکانات ادبی فراوانی که دارد می‌تواند به‌عنوان یک گرایش مستقل از ادبیات فارسی مورد توجه قرار بگیرد، در این صورت می‌توان سهم بیشتری را به ادبیات بارور انقلاب اختصاص داد و با تحقیق و پژوهش متناسب با این عرصه پهنای ادبی کاسته‌ها را جبران کرد.

وی با تقسیم‌بندی شاعران بعد از انقلاب به دو گروه تصریح کرد: دسته اول شاعرانی هستند که هم دوره قبل از انقلاب را تجربه کرده‌اند و هم در فضای سال‌های بعد از انقلاب نفس کشیده‌اند و از شاخص‌ترین چهره‌های ادبی این گروه می‌توان از مهدی اخوان ثالث و علی موسوی گرمارودی نام برد. وی افزود: دسته دوم شاعرانی هستند که در حال و هوای سال‌های بعد از انقلاب به رشد و شکوفایی رسیده‌اند و شعرشان محصول انقلاب است که به‌عنوان نمونه می‌توان از نصرالله مردانی، سپیده کاشانی، حسن حسینی و قیصر امین‌پور نام برد.

دکتر پارسا با بیان اینکه شعر سال‌های اولیه انقلاب متناسب با شور و حال آن دوره بیشتر جنبه شعاری دارد و کمتر به زیبایی‌های ادبی توجه می‌کند، یادآور شد: اما هرچه از آن سال‌ها دورتر می‌شویم و شاعران تجربه شعری بیشتری پیدا می‌کنند هم موضوعات متنوع‌تری وارد ادبیات انقلاب می‌شود و هم اشعار آن پختگی بیشتری پیدا می‌کند. وی افزود: به‌ویژه بعد از آغاز جنگ تحمیلی ادبیات از نظر زبانی با تحول شگرفی روبه‌رو می‌شود و در پی یک دوره رکود در زمینه ادبیات داستانی این نحله ادبی رونق دوباره‌ای می‌گیرد هرچند داستان‌های اولیه آن دوره نیز به دلیل وجود نویسندگانی نو قلم انسجام لازم را ندارند اما به مرور زمان پختگی و انسجام بیشتری پیدا کرده‌اند.

دکتر پارسا در پایان گفت: «ادبیات معاصر و به تبع آن ادبیات انقلاب کمتر موضوع پایان‌نامه‌های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکترا قرار گرفته است و آنچه تا کنون در این زمینه عرضه شده است در بهترین برآورد پنج درصد کل پایان‌نامه‌ها را دربر می‌گیرد که به طور قطع در این بین سهم ادبیات انقلاب بسیار اندک است.»

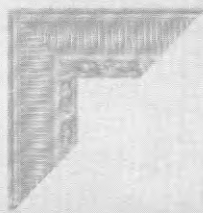
## دکتر زرین تاج واردی: منتقدان اذهان عمومی را به زیبایی‌های ادبیات انقلاب معطوف کنند

دکتر زرین تاج واردی گفت: «کار تحقیق و پژوهش در زمینه ادبیات انقلاب و جنگ نباید به دلیل بی‌توجهی برخی مسئولان فرهنگی به دوپست سال آینده موکول شود.»

استاد دانشگاه شیراز با تقسیم‌بندی ادبیات معاصر به سه دوره ادبیات مشروطه، ادبیات موج نو و ادبیات انقلاب، می‌گوید: «این سه برهه به لحاظ ارزش‌های ادبی و هنری در سطح قابل قبولی قرار دارند اما آنچه در حال حاضر به‌عنوان ادبیات معاصر و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود پاسخگوی نیازهای این دوره درخشان ادبی نیست و چنانچه برای هریک از این سه دوره دو واحد درسی اختصاصی در نظر گرفته شود، می‌توان نسبت به باروری ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها نیز امیدوار بود.»

وی ادامه داد: اگرچه شعر سده اخیر در مقایسه با ادبیات کلاسیک ما از قدرت و انسجام کمتری برخوردار است اما نمی‌توان نسبت به مضامین و ساختارهای جدید و ارزشمند این دوره بی‌توجه بود و به آن‌ها نپرداخت. ولی متأسفانه آنچه تا کنون مشاهده شده است حاکی از نوعی کم‌توجهی دانشگاه‌ها نسبت به مقله‌های ادبی جدید و به تبع آن ادبیات انقلاب و جنگ است.

دکتر واردی در پایان به نقش مؤثر نقد در پیشبرد و هدایت جریان‌های ادبی اشاره کرد و گفت: «سهم ادبیات انقلاب در پایان‌نامه‌های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکترا در مقایسه با موضوعات دیگر بسیار ناچیز است و آنچه تا کنون صورت گرفته بر مبنای انگیزه‌های شخصی بوده و در این زمینه نقش عمده بر عهده منتقدان ادبی است که باید با نقدهای عالمانه و منصفانه خودشان اذهان عمومی را متوجه زیبایی‌های ادبیات انقلاب بکنند.»



دکتر سید محمد راستگو: دانشگاه‌ها ادبیات انقلاب را با جدیت بیشتری

دنبال کنند

«بیشرفت قابل ملاحظه‌ای که شعر و ادب فارسی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی داشته، می‌طلبد دانشگاه‌ها با نگاهی جدی‌تر و عمیق‌تر به آن بپردازند.»

راستگو ضرورت ایجاد واحد اختصاصی ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید: «در حال حاضر سهم ادبیات معاصر در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی تنها چهار واحد درسی است که حدود دو واحد آن به ادبیات انقلاب اختصاص دارد و گاهی همین میزان اندک نیز به دلیل عدم تسلط گرایش استادان به این مقوله مورد غفلت و کم‌مهری واقع می‌شود و این با توجه به ظرفیت‌های فراوان و قابل توجه ادبیات دو دهه اخیر وضعیت خوشایندی نیست.»

وی در ادامه محتوای عالی اسلامی و طرح اهداف بلند و آرمان‌گرایانه آن را مهم‌ترین ویژگی ادبیات انقلاب برمی‌شمارد و اظهار می‌دارد: هر اثر و دست‌نوشته ادبی که مربوط به سال‌های ۵۷ به بعد باشد در قلمرو ادبیات انقلاب قرار نمی‌گیرد بلکه تنها آثاری که از نظر اهداف و مضمون در سمت و سوی جریان کلی انقلاب اسلامی باشند را می‌توان در زمره ادبیات انقلاب دانست.

دکتر راستگو در پایان حجم مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویانی که ادبیات انقلاب را مورد بررسی و پژوهش قرار داده‌اند را، دلگرم‌کننده و امیدبخش عنوان می‌کند و می‌آورد: هرچند هنوز در این زمینه کارهای ناکرده بسیاری پیش رو داریم اما همین میزان توجه بیانگر شور و اشتیاق دانشجویانی است که به‌رغم کم‌توجهی برخی مسئولان و استادان دانشگاه‌ها نسبت به مقوله ادبیات انقلاب، از آن رویگردان نشده‌اند و در پی بارور کردن و به ثمر رساندن آن هستند.

دکتر سید جعفر حمیدی: شعر انقلاب از تنوع موضوعی خوبی برخوردار نیست

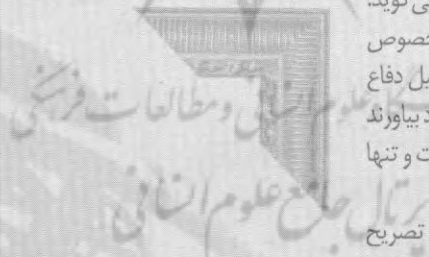
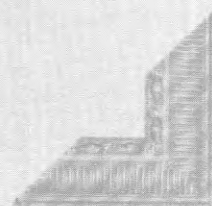
دکتر سید جعفر حمیدی گفت: «درست است که ادبیات بعد از انقلاب متحول شده است اما این تحول هنوز به جایگاه قطعی خود نرسیده است و برای قضاوت در این باب به زمان بیشتری نیاز داریم.»

حمیدی با اشاره به ویژگی‌های شعر و ادبیات داستانی انقلاب، می‌گوید: «شاعران انقلاب با روی آوردن به قالب‌های سنتی شعر فارسی و به‌خصوص غزل و توجه به ابعاد مختلف انقلاب و رویدادهای گوناگون آن از قبیل دفاع مقدس، شهدا و خانواده‌های آن‌ها توانستند تحولی در ادبیات به وجود بیاورند اما روی هم رفته شعر انقلاب از تنوع موضوعی خوبی برخوردار نیست و تنها یک بعد را دنبال می‌کند.»

وی در ادامه با انتقاد از رویکرد دانشگاه‌ها نسبت به ادبیات انقلاب، تصریح کرد: سهم کل ادبیات هشتادساله اخیر اعم از نظم و نثر در دانشگاه‌ها تنها چهار واحد است که بخش اندکی از این چهار واحد به ادبیات انقلاب اختصاص دارد و در این فرصت محدود نمی‌توان فعالیت اثربخشی انجام داد.

وی همچنین سلمان هراتی، قیصر امین‌پور و نصرالله مردانی را برجسته‌ترین چهره‌های ادبیات انقلاب دانست و افزود: از نگاه دانشجویان شاعران دیگر انقلاب در درجه دوم از اهمیت قرار می‌گیرند و به‌خصوص مرحوم سلمان هراتی در میان قشر دانشجویان اهمیت و توجه ویژه‌ای برخوردار است.

دکتر حمیدی در پایان با بیان اینکه بیست و هفت سال زمان بسیار کوتاهی برای قضاوت درباره ادبیات انقلاب است، گفت: «در همین مدت کوتاه نیز این نحله ادبی توانسته مخاطبان بسیار زیادی را به خودش جذب کند و این مسأله به‌روشنی در پایان‌نامه‌های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکترا نمود دارد.»



مطالعات فرهنگی  
سال پنجم علوم انسانی



**دکتر سید میر جلال‌الدین کزازی: ادبیات انقلاب با بی‌توجهی مواجه شده است**

پایان‌نامه‌هایی که درباره ادبیات انقلاب نوشته شده است بر اساس انگیزه شخصی دانشجویان بوده است.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی در تحلیل خود از روند توجه دانشگاه‌ها به ادبیات انقلاب می‌گوید: «واقعیت است که در دانشگاه‌ها به ادب امروز ایران از آن میان روندها و گونه‌هایی که در آن پدید آمده است جداگانه پرداخته نمی‌شود.»

وی اضافه می‌کند: در برنامه آموزشی دانشگاه‌ها در رشته زبان و ادب پارسی تنها دو درس است که در آن‌ها به سروده‌ها و نوشته‌های امروزین پرداخته می‌شود از این‌روی این ادب آنچنان در دانشگاه‌ها شناخته شده نیست و اگر کسی از استادان و دانشجویان به آن می‌پردازد به انگیزه رویکرد و دلبستگی ویژه اوست.

صاحب کتاب *مازهای راز* ادامه می‌دهد: از سوی دیگر در همه دانشگاه‌های جهان شاید هنجار کار و روند آموزشی این چنین است که برای آنکه پدیده‌ای ادبی، فرهنگی، اجتماعی در دانشگاه بررسی شود و در شمار آموزه‌های دانشگاهی درآید می‌باید بسندگی زمان بر آن گذاشته باشد به سخن دیگر آن پدیده به یکی از هنجارهای پایدار فرهنگی دگرگون شده باشد این چنین است که آن پدیده به کتاب‌های آموزشی در دانشگاه راه می‌جوید چنان زمینه‌ای برای آموزش و پژوهش بدان نگریسته می‌شود.

کزازی در پایان با بیان اینکه روندهای فرهنگی از آن میان ادبی، خواه ناخواه پس از چندی به دانشگاه و دیگر کانون‌ها و نهادهای آموزشی راه خواهند جست، خاطرنشان می‌کند: این امر نیاز به زمان دارد اگر این هنجار فرهنگی آنچنان پایدار بماند و بگسترند که پدیده‌ای آموزشی شمرده شود، خواه ناخواه به دانشگاه‌ها حتی به کتاب‌های آموزشی راه پیدا خواهد کرد.

**دکتر علی‌اکبر امینی: ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها سهم اندکی دارد**

دکتر علی‌اکبر امینی گفت: «درصد قابل توجهی از حجم متون کلاسیک جدید را ادبیات انقلاب تشکیل می‌دهد اما دانشگاه‌ها در پرداختن به آن هنوز به سطح مطلوبی نرسیده‌اند.»

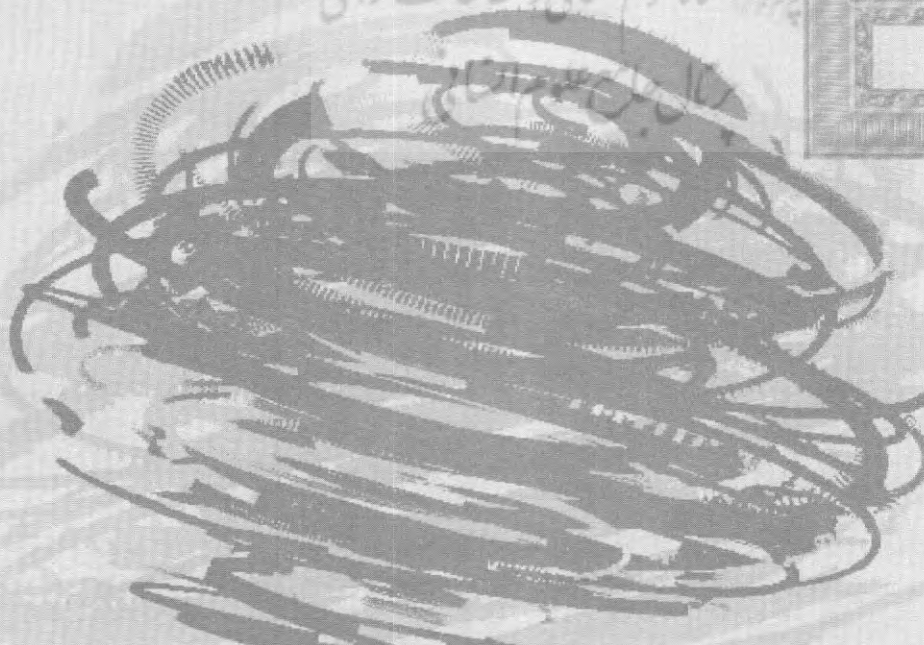
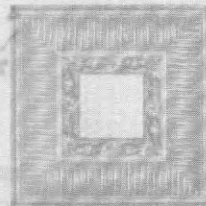
استاد دانشگاه تهران بر این باور است، نه تنها ادبیات انقلاب بلکه ادبیات صدساله اخیر در مقایسه با ادبیات کلاسیک سهم اندکی در دانشگاه‌ها دارند و در همین رابطه می‌گوید: «البته در سده اخیر چهره برجسته‌ای که استادان ما بتوانند آن را هم‌سنگ سنایی و جامی (که جزء شاعران طراز اول ما هم محسوب نمی‌شوند) مطرح کنند وجود ندارد و این شاید یکی از دلایل عمده بی‌رغبتی دانشگاه‌ها در پرداختن به ادبیات انقلاب باشد.»

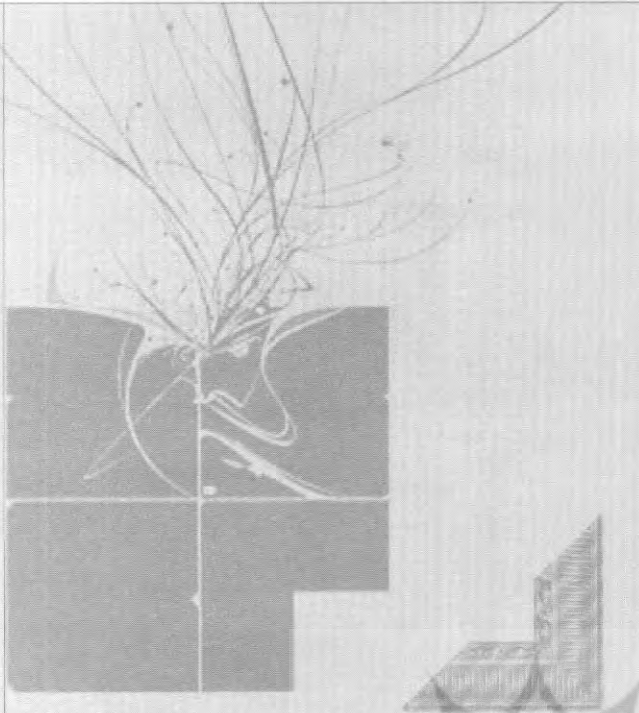
وی فضای سیاست‌زده جامعه ادبی ایران در سی‌ساله اخیر را از دلایل بی‌توجهی دانشگاه به ادبیات انقلاب برمی‌شمارد و ادامه می‌دهد: شعر امروز دیگر از محتوای عالی و انسانی خودش تهی شده است و شاعران در پرداختن به مسائل سیاسی روز آن قدر زیاده‌روی کرده‌اند که مسائل دیگر را از یاد برده‌اند و شعرشان فاقد هر گونه پیام عمیق و گسترده بشری شده است.

نویسنده کتاب *گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب ادبیات انقلاب* را بیشتر ذیل بحث در ادبیات عاشورایی و جنگ معرفی می‌کند: «این‌ها مفاهیمی مستقل از یکدیگر هستند و هر کدام می‌توانند زمینه تحقیق و پژوهشی جداگانه باشند اما متأسفانه تا کنون در این زمینه‌ها اثر درخور توجهی منتشر نشده است و آنچه وجود دارد حاکی از تقلید و اقتباس از آثار مثل آثار دکتر شریعتی است.»

دکتر امینی در پایان با تأکید بر ضرورت توجه هر چه بیشتر مسئولان فرهنگی کشور به قشر فرهیخته و اهل قلم، خاطرنشان می‌کند: «اگر می‌خواهیم ادبیات انقلاب به شکوفایی برسد باید وزارت ارشاد، دانشگاه‌ها، مطبوعات و نهادهای مختلف تأثیرگذار در عرصه هنر با برنامه‌ریزی‌های هماهنگ و اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه را برای رشد و گسترش آن فراهم کنند.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





### دکتر علی حسین پور: فرصت اندک پاسخ‌گوی نیاز دانشجو نیست

«تعداد واحدهایی که به درس ادبیات معاصر و انقلاب اختصاص داده شده از نظر کمیت و کیفیت نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز دانشجو باشد.»  
نویسنده کتاب جریان‌های شعری معاصر فارسی، با اشاره به گستردگی ادبیات معاصر و انقلاب و کمی فرصت اختصاص داده شده به آن می‌گوید: «در رشته ادبیات فارسی فرصت بسیار اندکی را به درس ادبیات انقلاب اختصاص داده‌اند در حالی که در همین رشته، ۱۸ واحد درس عربی تدریس می‌شود و یا اینکه ۲ واحد درسی را به شاعری چون مسعود سعد سلمان، تنها به دلیل حسیه‌هایی که در زندان سروده است، اختصاص می‌دهند و به شاعران و نویسندگان برجسته معاصر توجه چندانی نمی‌شود.»

وی افزود: «در واقع در رشته ادبیات فارسی تأکید بیشتری به ادبیات کلاسیک می‌شود و به نویسندگان و شاعران از دوره مشروطه توجه چندانی نمی‌شود. به‌عنوان مثال به بسیاری از شاعران و نویسندگان بزرگ چون عارف، لاهوتی، دهخدا و اعتصامی و دیگران تنها دو واحد درسی اختصاص داده شده است که بسیار اندک است.»

استاد دانشگاه ادبیات فارسی کاشان یکی از مشکلات عمده درس ادبیات معاصر و انقلاب را وجود استادان سنت‌گرا می‌داند و در این باره می‌آورد: «مدرسان ادبیات فارسی به گونه‌ای تربیت شده‌اند که با ادبیات سنتی بیشتر از ادبیات معاصر آشنا هستند چراکه بیشتر واحدهایی که می‌خوانند مربوط به حوزه ادبیات کهن است و درس ادبیات معاصر و انقلاب را با رغبت کافی تدریس نمی‌کنند.»

وی ادامه داد: «متأسفانه هنوز بسیاری از استادان ادبیات فارسی ادبیات کلاسیک را بیشتر از ادبیات معاصر مورد توجه قرار می‌دهند و از بسیاری از شاعران و نویسندگان معاصر انتقاد می‌کنند و با نگاهی نامطلوب ادبیات معاصر را به پای محاکمه می‌کشاند و با برخی دیگر نیز در مورد این شاخه ادبیات جنبه افراطی را در پیش می‌گیرند و آن را قوی‌تر و گسترده‌تر از ادبیات کلاسیک تصویر می‌کنند که در این زمینه افراط و تفریط بسیاری وجود دارد که هر دو به ضرر ادبیات تمام می‌شود.»

دکتر حسین پور توضیح داد: «در مورد ادبیات انقلاب با کمبود منابع و امکانات در سرتاسر کشور نیز مواجه‌ایم، البته یکی دیگر از دلایل عدم توجه به ادبیات انقلاب جوان بودن آن است چراکه هنوز این شاخه از ادبیات توانسته راه خود را به‌عنوان شاخه مستقل پیدا کند و توجه افراد مختلف را به خود جلب کند.»

این محقق و پژوهشگر در پایان گفت: «ادبیات انقلاب در برخی از حوزه‌ها رشد چشمگیری داشته است. غزل، مثنوی با موضوعاتی چون جنگ، شهادت، دفاع، صلح توانسته جایگاه مناسبی را به دست آورد اما با تلاش و آموزش بیشتر می‌توان سبک ویژه‌ای را که مختص ادبیات انقلاب باشد به‌وجود آورد.»

### دکتر علیرضا فولادی: ادبیات انقلاب نیازمند تحقیق بیشتر است.

«با وجود اتکاء به آیدئولوژی اسلامی و انقلابی هیچ‌گونه پژوهش عمیقی در مورد ادبیات انقلاب صورت نگرفته است.»

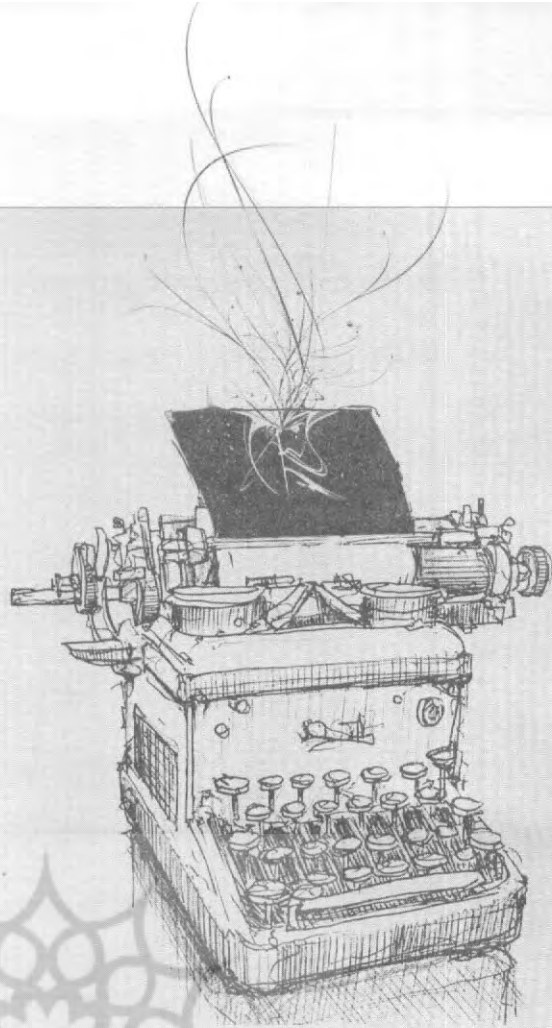
سراینده مجموعه شعر باید سلام کرد به گسترده زیستن، ادبیات انقلاب را جزء مهم پیکره ادبیات معاصر می‌داند و می‌گوید: «همان‌گونه که وجود ادبیات معاصر به هیچ وجه قابل انکار نیست ادبیات انقلاب نیز به‌عنوان جوان‌ترین شاخه ادبیات معاصر باید مورد بررسی و تحقیق بیشتر قرار گیرد.»

وی یکی از عمده‌ترین دلایل عدم توجه به ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها را هم‌دوره بودن این ادبیات با زمان ما عنوان می‌کند و در توضیح بیشتر می‌آورد: «استادان ادبیات و پژوهشگران ادبی باید وقت بیشتری برای شناخت این شاخه از ادبیات صرف کنند. البته استادان جوان ادبیات فارسی در مقوله شعر و داستان توجه بسیاری به آن نشان می‌دهند که با گذشت زمان و انجام پژوهش‌های متعدد در درازمدت به‌صورت برنامه‌ریزی شده در قالب واحدهای درسی نمایان می‌شود.»

دکتر فولادی ادامه می‌دهد: «اگرچه علاقه‌مندان به ادبیات در هر دوره‌ای بسیار است اما ادبیات انقلاب به دلیل اینکه در حاله‌ای از غبار هم‌زمانی با ما فرو رفته است توجه کمتری را به خود جلب کرده تا آنجا که بسیاری از دانشجویان و دانش‌پژوهان و برخی شخصیت‌های برجسته ادبیات انقلاب را نمی‌شناسند و جای تأسف است که نهادهای مختلف سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیحی را به این امر اختصاص نداده‌اند.»

این محقق و پژوهشگر در پایان با اشاره به گرایش شدن شاخه‌های مختلف ادبیات فارسی گفت: «بحث گرایشی شدن در مورد کل شاخه‌های ادبیات فارسی لازم است. در خصوص ادبیات معاصر و انقلاب نیز با وجود گسترش آن این ضرورت احساس می‌شود اما در حال حاضر باید فرصت بیشتری به این درس در دانشگاه‌ها اختصاص داده شود.»





### دکتر غلامرضا کافی: آموزش ادبیات انقلاب جدی گرفته شود

دکتر غلامرضا کافی گفت: «برای بهبود آموزش ادبیات معاصر و انقلاب هیچ‌گاه برنامه‌ریزی درست و وقت کافی گذاشته نشده است تا نتیجه خوبی به دست آید.»

مدیر حوزه هنری فارس دو واحد درسی برای آموزش ادبیات انقلاب را ناکافی می‌داند و می‌گوید: «برای اینکه جایگاه ادبیات انقلاب به‌عنوان رسمی در دانشگاه‌ها جدی گرفته شود نیازمند گذشت زمان هستیم چراکه با گذشت زمان این شاخه از ادبیات بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.» وی می‌افزاید: «یکی دیگر از مشکلات عمده ادبیات معاصر و انقلاب کمبود استادان آشنا به این حوزه از ادبیات است چراکه بیشتر استادانی که به تدریس این واحد درسی می‌پردازند دانش‌آموختگان ادبیات کلاسیک هستند تا آنجا که برخی از این استادان در مقام معارضه با ادبیات معاصر و انقلاب برمی‌آیند و رغبت چندانی به آن نشان نمی‌دهند.»

دکتر کافی در پاسخ به این سؤال که آیا ادبیات معاصر و انقلاب قابلیت یک رشته مستقل را دارد نیز بر این اعتقاد است: «ادبیات معاصر و انقلاب در دوره کارشناسی نمی‌تواند به یک گرایش مستقل تبدیل شود چراکه دانشجویان ادبیات در دوره کارشناسی نیاز به اصول و مقدمات کلی درباره رشته تحصیلی خود دارند و این شاخه از ادبیات این گستردگی را دارد که گرایشی مستقل در دوره تحصیلات تکمیلی باشد.»

نویسنده کتاب بهار در برهوت در پایان یادآوری می‌کند: «ادبیات به ذوق و سلیقه بستگی دارد و هیچ‌گاه هدف‌های آن مشخص نمی‌شود و ما نمی‌توانیم رضایت همه نوع سلیقه‌ها را تأمین کنیم اما با یک تقسیم‌بندی زمانی صحیح و برنامه‌ریزی درست می‌توانیم در راستای بهبود وضعیت ادبیات جامعه تلاش کنیم.»

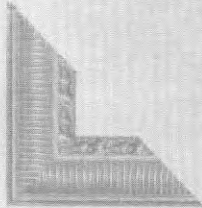
دکتر فاطمه راکعی: تألیف ادبیات انقلاب باید به طور جدی دنبال شود به نظر می‌رسد افراد و نهادهایی که کتاب‌های مربوط به ادبیات انقلاب را تألیف و تنظیم کرده‌اند، دارای تعصبات خاص هستند و به سایرین اجازه انتقاد نمی‌دهند.

استاد ادبیات دانشگاه الزهراء در این باره می‌گوید: «متأسفانه از همان سال‌های اول انقلاب به‌رغم ترویج بسیاری از اساتید فرهیخته ادبیات کشور و شاعران دردمند و ژرف‌اندیش، نتوانستیم آن طور که شایسته است ادبیات بعد از انقلاب، به خصوص شعر، را در آثار دانشگاهی و کتاب‌های تخصصی و عمومی به دانشجویان معرفی کنیم.»

وی با بیان اینکه مطالبی که در کتاب‌های عمومی ادبیات تدریس می‌شود از سال‌ها پیش نه‌تنها بیانگر بهترین آثار حتی نشان‌دهنده شاخص‌ترین چهره‌های شعر و ادب انقلاب هم نیست، اضافه می‌کند: «در این زمینه باید بازنگری جدی صورت گیرد، به نظر می‌رسد افراد و نهادهایی که این کتاب‌ها را تألیف و تنظیم می‌کرده‌اند، شدیداً جانب‌داری می‌کنند و اجازه اظهار نظر به منتقدان، شاعران و استادان روشن‌فکر دانشگاه نمی‌دهند.»

وی ادامه می‌دهد: «به‌رغم همه ناباوری‌ها و برخوردهای خصمانه‌ای که به خاطر تفکر و ایده‌های معنوی موجود در شعر بعد از انقلاب وجود دارد، معتقدم که جریان اصیل، پویا و روبه‌رشدی با عنوان ادبیات انقلاب اسلامی وجود دارد که به‌وسیله تعدادی از شاعران صاحب‌نام معاصر هدایت می‌شود و از تجربه‌ها و اندوخته‌های آنها تأثیر می‌پذیرد. درحقیقت این جریان از نظر فکری و تکنیکی بسیار قوی است و متکی به سنت دیرینه شعر کلاسیک فارسی است و در زمان حال تنفس می‌کند و به زبان انسان امروز سخن می‌گوید.»

دکتر راکعی در پایان خاطرنشان می‌کند: «برای اینکه این حرکت در میان دانشجویان، خصوصاً دانشجویان ادبیات فارسی نمود پیدا کند می‌بایست واحدهای درسی با عنوان شعر دو دهه اخیر با عناوین مناسبی تألیف و محتوای آنها زیر نظر شاعران، استادان دانشگاه و منتقدان نوشته شود، تا برجسته‌ترین آثار از نظر انتقادی و همچنین چهره‌های شعری اخیر معرفی شود؛ در این صورت است که یک کار عملی و حصولی در حوزه ادبیات و شعر صورت می‌گیرد.»



### دکتر کاووس حسنی: ادبیات انقلاب با کم‌توجهی دانشجویان روبه‌روست

آثار تولیدشده متنوع شعر و نثر ادبیات انقلاب حائز ویژگی‌هایی است که باید هم‌اینک مورد بررسی قرار گیرد و نباید آن را به دوره‌های آتی محول کرد. استاد ادبیات دانشگاه شیراز می‌گوید: «در مورد ادبیات کشورهای مختلف این عقیده رواج دارد که آنها ادبیات زمان خود را مورد نقد قرار نمی‌دهند و بر این باورند که برای این کار باید حداقل سی سال از سبک دوره ادبی بگذرد تا بیرون از آن دوره بررسی آن آثار انجام شود.

وی می‌افزاید: «وجود چنین عقیده‌ای مانع از بررسی جامع ویژگی‌های مختص آن عرصه می‌شود، چیزی که در مورد ادبیات انقلاب ما هم کماکان رخ داده است.»

حسنی ادامه می‌دهد: «آثار متنوع تولیدشده در مورد ادبیات انقلاب در کتاب‌های مقطع راهنمایی و دبیرستان تا حدی آمده است اما در کتاب‌های دانشگاهی شاهد حضور کم‌رنگ این آثار هستیم.»

وی همچنین اظهار می‌دارد: «از آنجا که در دانشگاه‌های کشور تنها سه واحد اختصاص به ادبیات عمومی دارد و متن درسی این درس به اختیار و انتخاب اساتید دانشگاهی است، که اغلب آنها چنین متن‌هایی را بر اساس نیاز و علاقه دانشجویان خود انتخاب می‌کنند تا رغبت را در میان آنها برگزینند.»

حسنی می‌گوید: «همچنین کتابی به‌عنوان انقلاب اسلامی و گزینه‌های ادبی آن جزء دروس اختیاری محسوب می‌شود، درحالی که کم‌توجهی قشر جوان به ادبیات انقلاب باعث شده است اغلب متون ادبیات عمومی هم برگرفته از ادبیات معاصر قبل از انقلاب و همچنین ادبیات کهن شود.»

رئیس مرکز حافظ‌شناسی شیراز در ادامه گفت: «مهارت تعلق خاطر اساتید دانشگاهی به ادبیات انقلاب هم می‌تواند تأثیر بسزائی در پرننگ شدن ادبیات انقلاب داشته باشد که بسیاری از اساتید ما از چنین مهارتی برخوردار نیستند.»

حسنی در پایان خاطر نشان می‌کند: «با چنین وضعیتی نمی‌توان به بررسی جایگاه ادبیات انقلاب در کتاب دانشگاهی کشور توجه داشت. اما به طور غیر رسمی می‌توان فعالیت‌های فوق برنامه‌ای چون برگزاری مسابقات

شعر، قصه‌نویسی، مقاله‌نویسی را در جهت پرننگ شدن چنین ادبیاتی انجام داد.»

دکتر محمد مهرآوران: «ادبیات انقلاب نیازمند جایگاه مشخصی در برنامه‌های رسمی دانشگاه است.»

دکتر محمود مهرآوران گفت: «ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها نیازمند فرصت بیشتری است تا بتواند هویت خود را به‌عنوان سبک مشخصی به اثبات برساند.»

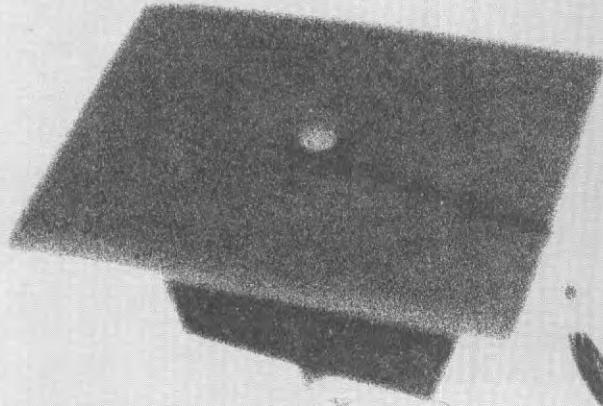
استاد دانشگاه ادبیات قم به فرصت محدود درس ادبیات معاصر و انقلاب اشاره دارد و می‌گوید: «ادبیات معاصر و انقلاب حداقل نیازمند ۱۰ واحد درسی است تا بتواند مفاهیم و درون‌مایه‌های فکری خود را عرضه کند حال آنکه فرصت ارائه‌شده در دانشگاه‌ها برای آموزش این درس بسیار اندک است و این در حالی است که آموزش ادبیات انقلاب بیشتر مورد غفلت قرار گرفته است.»

وی افزود: «البته میزان توجه به ادبیات معاصر و انقلاب در دانشگاه‌های مختلف با توجه به سلیقه استادان مختلف متفاوت است؛ این میزان توجه در برخی از دانشگاه‌ها بیشتر و در برخی دیگر کمتر مشاهده می‌شود که با اضافه کردن ساعات تدریس و تربیت استادانی آشنا به این شاخه جدید ادبیات می‌توان در راستای بهبود وضعیت آموزشی ادبیات گامی سازنده برداشت.»

دکتر مهرآوران در ادامه با اشاره به گرایش شدن شاخه‌های مختلف ادبیات توضیح داد: «اصل‌گرایشی شدن ادبیات اگرچه سبب تخصصی شدن آن می‌گردد اما هیچ‌گاه نباید فراموش کرد که قسمت‌های مختلف ادبیات کاملاً به یکدیگر مرتبط است و دانشجو در ابتدا باید آشنایی کلی با دوره‌ها و سبک‌های مختلف ادبیات داشته باشد و سپس در دوره تحصیلات تکمیلی به گرایش خاصی رغبت کند.»

وی در پایان گفت: «باید بپذیریم که ادبیات انقلاب نیازمند جایگاه مشخصی در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌هاست، چراکه این شاخه نوین ادبیات توانسته با استفاده از درون‌مایه‌هایی چون انعکاس معارف اسلامی، روح حماسه و عرفان، روی آوردن به مفاهیم انتزاعی، پرهیز از تمثیل و نمادگرایی، هویت و گستردگی خود را به‌عنوان سبکی جدید و شخصی به اثبات برساند.»





### دکتر محمدرضا موحدی: با همکاری و هماهنگی هم به فکر ادبیات انقلاب باشیم

دکتر محمدرضا موحدی گفت: «آثار تولیدی شاعران و نویسندگان بعد از انقلاب بسیار زیاد است اما هنوز کار منسجمی برای ارجاع به دانشگاه به‌عنوان واحد درسی ثابت نداریم.»

نویسنده کتاب *زمرهٔ زمانه*، به فرصت محدود درس ادبیات معاصر در دانشگاه اشاره می‌کند و در همین رابطه می‌گوید: «فرصت محدودی برای آموزش درس ادبیات معاصر در دانشگاه‌ها اختصاص داده شده است.»

با وجود این زمان محدود هیچ‌گاه نمی‌توانیم جایگاه مناسبی را به تدریس درس ادبیات انقلاب اختصاص دهیم و حال آنکه آشنایی با این حیطهٔ ادبیات یکی از الزامات رشتهٔ ادبیات فارسی در دانشگاه است.»

وی ادامه می‌دهد: «باید به فکر تدوین کتابی منسجم برای درس ادبیات انقلاب باشیم چراکه در این زمینه از منابع کافی در حیطهٔ نظم، نثر، حتی ادبیات کودک و نوجوان برخورداریم.»

دکتر موحدی بر این باور است: «در معرفی شخصیت‌ها و بزرگان هنر و ادبیات انقلاب نیز فعالیت چندانی صورت نگرفته است تا آنجا که بسیاری از شخصیت‌های برجسته ادبیات انقلاب همچنان ناشناخته هستند.»

نویسنده کتاب *طعم دقت* مشکلات درس ادبیات معاصر را بسیار دانست و افزود: «گرچه مشکلات بسیاری دامن‌گیر درس ادبیات معاصر و انقلاب است اما هیچ‌کدام از این مشکلات غیر قابل حل نیست بلکه می‌توانیم با یک برنامه‌ریزی درست و جامع و با همفکری و هماهنگی استادان دانشگاه این مشکلات را برطرف سازیم.»

وی در پایان گفت: «نهادهای فرهنگی، فرهنگستان زبان و حفظ ارزشهای انقلاب اسلامی باید به فکر ادبیات انقلاب باشند و با یاری یکدیگر جایگاه مشخص و پایداری برای ادبیات انقلاب برگزینند.»

### دکتر محمدرضا سنگری: حتی یک کتاب درسی هم برای ادبیات انقلاب تدوین نشده است

«با تمام شایستگی و بایستگی ادبیات کلاسیک، نباید فضایی ایجاد شود که امکان بروز ادبیات انقلاب در دانشگاه‌ها تنگ شود.»

دکتر سنگری می‌گوید: «متأسفانه نه تنها ادبیات انقلاب بلکه ادبیات معاصر نیز در دانشگاه‌های ما کمتر مجال عرض اندام یافته است.»

دکتر سنگری بر این باور است که در آغاز انقلاب، با یک ادبیات شتابناک مواجه بودیم که پختگی کافی نداشت و یک نقش رسانه‌ای و محملی برای طرح ارزش‌ها و دفاع از حادثه انقلاب بود و بعد از گذشت پنج سال، به ادبیات شکوفا و باروری تبدیل می‌شود که آثار ارزشمندی در قلمروهای گوناگون ادبی خلق می‌شود.»

نویسنده کتاب *«حنجرهٔ معصوم»* تمام شاخه‌های ادبیات انقلاب اعم از شعر، ادبیات داستانی و طنز را بسیار مهم تلقی کرد و گفت: «ادبیات انقلاب، گنجینهٔ ارزشمندی است که در تمام شاخه‌های آن، آثار موفقی خلق شده است، به‌عنوان مثال فعالیت‌های مرحوم کیومرث صابری در حوزه طنز انقلاب درخور توجه و تقدیر است یا نقدها و تحلیل‌هایی که بر آثار دفاع مقدس و انقلاب نوشته شده و همین‌طور در حوزه ادبیات داستانی، جای بحث و بررسی دارند و شایسته است که در درس ادبیات دانشگاه شاخه‌های ادبیات انقلاب نیز جزء واحدهای درسی محسوب شوند و استادانی برای تدریس این درس تربیت شوند.»

سراینده مجموعه شعر *یاس‌های کبود* تصریح کرد: «در این میان، ادبیات کودک و نوجوان نیز با بی‌مهری روبه‌رو شده است و باید مسئولان دانشگاه‌ها در صدد آن باشند که در این حوزه نیز تلاش کنند و سهمی برای آن در دانشگاه‌ها قائل باشند زیرا با در نظر گرفتن اینکه دانشگاه‌ها به سمت قطبی شدن پیش می‌روند، بعضی از دانشگاه‌های بزرگ کشور واحدهایی در زمینه ادبیات انقلاب طرح کنند و به مجموعه درس اضافه کنند.»

دکتر سنگری در پایان خاطر نشان می‌کند: «لازمهٔ پرداختن به این مسئله این است که تألیفات دانشگاهی مناسب داشته باشیم. پایان‌نامه‌ها و رسالهٔ دکتری دانشجویان ادبیات را به سمت و سوی ادبیات انقلاب سوق دهیم تا هر چه بیشتر شاهد شکوفایی این مقوله باشیم.»

دکتر مریم حسینی: ادبیات انقلاب موضوع برجسته‌ای برای پایان‌نامه‌های دانشجویی است

ادبیات انقلاب و دفاع مقدس جایگاه قابل قبولی در دانشگاه‌های ما ندارد و با چهار واحد درسی نمی‌توان دانشجویان را علاقه‌مند به ادبیات معاصر کرد.

استاد ادبیات دانشگاه الزهرا بر این باور است: «قسمت اعظم ادبیات معاصر کشور ما را ادبیات انقلاب تشکیل می‌دهد و علاقه دانشجویان نیز به ادبیات معاصر بیشتر از ادبیات کهن است، اما متأسفانه در دانشگاه‌ها کمتر به آنها بها داده شده است.»

وی اضافه می‌کند: «چهار واحد ادبیات معاصر که در قالب نظم و نثر است و بیشتر به ادبیات مشروطه پرداخته است برای آشنایی دانشجویان با ادبیات معاصر کافی نیست حال آنکه ادبیات انقلاب و جنگ آن قدر گسترده است که در یک جلسه نمی‌توان آن را جمع‌بندی کرد و قطعاً در دو واحد درسی نمی‌گنجد.»

دکتر حسینی از تمایل اساتید دانشگاه بر اختصاص واحدهای درسی بیشتر به این مقوله خبر می‌دهد: «بارها استادان ادبیات پیشنهاد کرده‌اند که بر تعداد واحدهای درسی ادبیات انقلاب بیفزایند، زیرا اضافه شدن واحدهای ادبیات معاصر خودبه‌خود بهانه‌ای برای پرداختن بیشتر به مقوله ادبیات انقلاب و جنگ می‌شود.»

وی با بیان اینکه ادبیات انقلاب موضوع برجسته‌ای برای پایان‌نامه‌های دانشجویی است، تصریح می‌کند: «دانشجویان هر جا کاستی دیدند سعی کرده‌اند آن را در رساله‌های خود جبران کنند و در این چند سال اخیر نیز دانشجویان بسیاری در حوزه ادبیات انقلاب پایان‌نامه‌های خود را نوشته‌اند.»

حسینی در پایان تأکید می‌کند: «اگر به ادبیات انقلاب به‌خوبی پرداخته شود و وجوه مثبت زیبایی آن نشان داده شود بدون شک از استقبال گسترده دانشجویان دور نخواهد ماند.»

دکتر منصور رستگار فسایی: ادبیات انقلاب چهره درخشان ادبیات معاصر است

دکتر رستگار فسایی گفت: «اگر در متن ادبیات انقلاب، بدون احساسات، ارزشیابی‌های نقادانه انجام دهیم هر کس به حق خود می‌رسد و در حد شایستگی به آن پرداخته می‌شود.»

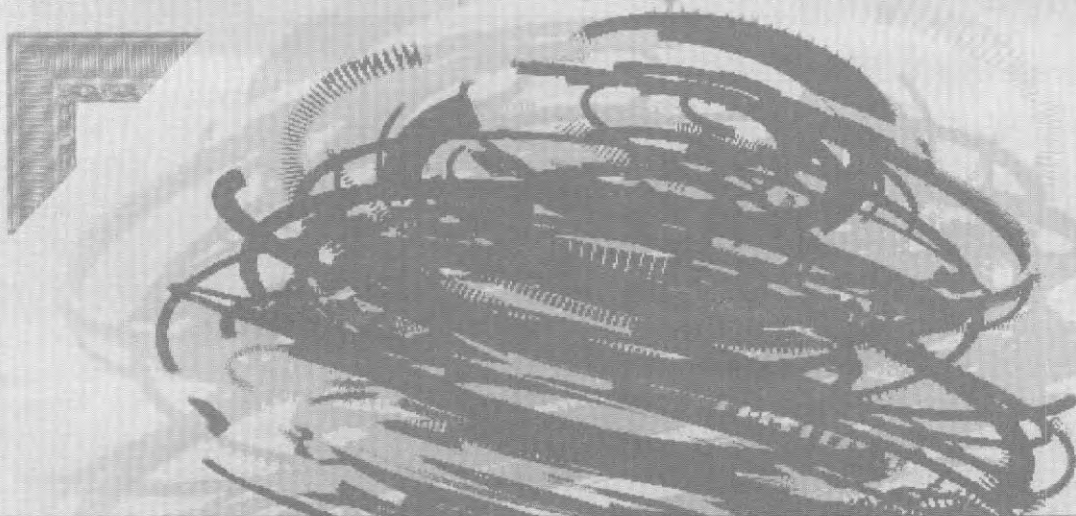
استاد ادبیات دانشگاه شیراز، به اهمیت ادبیات انقلاب برای تدریس در دانشگاه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «ادبیات انقلاب اسلامی مانند آینه شفاف و درخشانی است که جریان‌ات و حوادث دوران انقلاب و بعد از آن را با زبان ادبی بیان کرده است.»

دکتر رستگار فسایی بر این باور است که ادبیات عصر انقلاب مثل ادبیات مشروطه یا کلاسیک واقعی است که باید در بطن فعالیت‌های فرهنگی جامعه دیده شود.

وی تصریح می‌کند: «در برنامه‌ریزی دروس و انتخاب استاد برای این واحد درسی، مثل هر درس دانشگاهی دیگر، باید یک منطق علمی و واقعیت‌گرا در نظر گرفت و بر روی مضامین آن مطالعه جدی انجام داد و معیارهای انتخاب یک شاعر و نویسنده انقلابی را با ارزش‌های علمی سنجید نه احساسات.»

این استاد دانشگاه به اختصاص دادن دو واحد درسی برای ادبیات انقلاب در دانشگاه اشاره دارد و می‌گوید: «من چون تا کنون این درس را تدریس نکرده‌ام، نمی‌توانم یک نظر دقیق درباره محتوا و مضمون آن بدهم ولی شایسته است که متولیان امر در این زمینه تلاش بیشتری کنند تا دانشجویان ما به‌خوبی با این برهه از تاریخ ایران و شاعران و نویسندگان آن آشنا شوند.»

دکتر فسایی در پایان خاطر نشان می‌کند: «هر پدیده کهنه و نو، در صورتی که واجد معیارهای ارزشی لازم باشد، خودبه‌خود مخاطب خود را پیدا می‌کند. مثلاً بعد از گذشت قرن‌ها از ظهور بزرگانی چون حافظ، مولانا، سعدی و دیگر ادیبان ایرانی، همواره نام آن‌ها زبانزد عام و خاص است و ادبیات انقلاب نیز چنین است و جامعه علمی کشور به این باور رسیده است که ادبیات انقلاب درخشان‌ترین چهره ادبیات معاصر است.»





## دکتر هادی منوری: اغلب دانشجویان ادبیات معاصر را به ادبیات کهن ترجیح می‌دهند

این روزها فرصت مغتنمی به دست می‌دهد تا به تدوین پایه‌ای و علمی ادبیات انقلاب و دفاع مقدس به‌عنوان یکی از سرفصل‌های کتاب‌های دانشگاهی بپردازیم.

رئیس شورای شعر خراسان نیز بر این باور است: «در حال حاضر ادبیات انقلاب و دفاع مقدس جایگاه لازم را در میان کتاب‌های دانشگاهی ندارد به همین خاطر قشر دانشگاهی ما هم آشنایی کافی را با آن فضا به دست نیاورده است.»

وی افزود: «با وجود اینکه قسمت اعظم ادبیات معاصر کشور ما را این نوع ادبیات تشکیل می‌دهد و هر دانشجویی به ادبیات معاصر بیشتر از ادبیات کهن خود علاقه نشان می‌دهد، متأسفانه در دانشگاه‌ها بهای کافی به آن داده نشده است.»

سراینده مجموعه شعر دوباره شبعه شلم ادامه می‌دهد: «در حال حاضر در دورانی به سر می‌بریم که با دوران جنگ و انقلاب فاصله گرفته‌ایم و می‌توانیم با فراغ خاطر به تدوین مبانی ادبی آن بپردازیم.»

منوری، ادبیات انقلاب را موضوع برجسته‌ای برای پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌داند و در این باره می‌افزاید: «شاهد آن بوده‌ایم که بسیاری از دانشجویان شهر مشهد و همچنین تهران موضوع ادبیات انقلاب را به‌عنوان پایان‌نامه خود انتخاب کرده‌اند که برخی از آنها بسیار موفق عمل کرده و به‌صورت کتاب و حتی مآخذ مورد استفاده عموم قرار گرفته‌اند. هنوز هم این موضوع می‌تواند کار و پایان‌نامه بسیاری باشد چون بسیاری از موضوعات آن کار نشده است.»

منوری در پایان تأکید می‌کند: «بحث اصلی در ارائه چنین موضوعاتی بستگی به وجود اساتیدی دارد که خود عشق و علاقه‌ای به ادبیات انقلاب و دفاع داشته باشند تا بتوانند به دانشجویان نیز چنین موضوعی را مطرح کنند در غیر این صورت همچنان این موضوعات مهجور باقی می‌مانند.»

## دکتر یحیی کارگر: باید به ادبیات معاصر و انقلاب بیشتر توجه شود

«دانشجوی امروز نیازمند فراگیری بیشتر زبان و ادبیات امروز است و حال آنکه در دانشگاه‌ها توجه چندانی به ادبیات معاصر و انقلاب نمی‌شود.» صاحب‌مقاله «آخوان ستایشگر فردوسی»، با توجه به اهمیت آموزش ادبیات معاصر و انقلاب در دانشگاه‌ها می‌آورد: «زمان اختصاص داده شده برای آموزش درس ادبیات معاصر و انقلاب حتی پاسخ‌گوی نیمی از نیاز دانشجو نیست حال آنکه با محدود کردن برخی از واحدهای درسی که کاربرد چندانی در زمان و ادبیات امروز ندارند و اضافه کردن ساعات درس ادبیات معاصر و انقلاب این فرصت را به دانشجو می‌دهیم تا با ادبیات معاصر و شخصیت‌های مطرح و برجسته آن ارتباط بیشتری برقرار کند.»

وی افزود: «کمبود منابع منسجم برای مراجعه پژوهشگر و دانشجو و بی‌توجهی مسئولان فرهنگی در دانشگاه‌ها به این شاخه ادبیات سبب شده که تا کنون هیچ‌گونه نقد و بررسی عمده‌ای درباره آن صورت نگیرد حال آنکه ادبیات معاصر و حتی انقلاب این گستردگی و اهمیت را دارد که دانش‌پژوهان بسیاری را به تحقیق و پژوهش درباره ساختارهای ادبی و تغییر و تحول و بررسی سبک‌های مختلف ادبیات وادارد.»

مصحح دیوان شاپور تهرانی ادامه داد: «برای اینکه ادبیات معاصر و انقلاب جایگاه خود را به‌عنوان جوان‌ترین شاخه از درخت کهن ادبیات فارسی به صورتی مستقل بیابد نیازمند بحث‌های طولانی در ضرورت فراگیری بیشتر این شاخه و اضافه کردن واحدهایی با عناوینی چون بررسی ادبیات مشروطه و ادبیات انقلاب است که در آن با اختصاص دادن زمان بیشتر به تشویق دانشجو برای آموزش و فراگیری ادبیات امروز ایران و حتی جهان اقدامی سازنده انجام دهیم.»

دکتر کارگر در پایان گفت: «ادبیات ما به دست کسانی تدریس می‌شود که در حیطه سنت پرورده شده‌اند. برای این افراد که با ادبیات کلاسیک آشنایی بیشتری دارند قرار دادن شاعران و نویسندگان دوره معاصر با هنرمندان ادب‌پرور دوران گذشته در بسیاری از موارد غیر قابل تصور است. اگر بتوانیم ذهنیت این استادان را نسبت به ادبیات معاصر و انقلاب تغییر دهیم گامی سازنده و اساسی در جهت بهبود وضعیت ادبیات امروز برداشته‌ایم.»

قدم‌علی‌سرامی: عدم تنوع در جامعه، ادبیات انقلاب را کم‌رنگ کرده است.

بازتاب ادبیات انقلاب در کتاب‌های دانشگاهی چشمگیر نیست. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی در این باره می‌گوید: «از شایع‌ترین فعالیت‌های دانشگاهی، تدوین کتاب‌های فارسی عمومی توسط اساتید هر دانشگاه است که جزء پر فروش‌ترین کتاب‌ها نیز هست.»

بر این اساس اساتید سعی می‌کنند با توجه به طبع و نیاز دانشجویان و مراعات نگاه جوان‌پسند کتاب‌ها را تدوین کنند. بیشتر این کتاب‌ها برگرفته از آثار بزرگان ادبیات معاصر البته قبل از انقلاب چون صادق هدایت، گلشیری، محمود دولت‌آبادی، سیمین دانشور و بسیاری دیگر است. چون بعد از پیروزی انقلاب شاهد حضور چهره‌های موفق این چنینی نبودیم.»

این شاعر و پژوهشگر ادامه می‌دهد: «البته می‌توان از افرادی چون سلمان هراتی، قیصر امین‌پور در زمینه ادبیات موفق نام برد که شاهد حضور کم‌رنگ آنها در کتاب‌های دانشگاهی هستیم اما می‌توان عمده این کتاب‌ها را به‌عنوان کتاب کمک‌درسی و اختیاری در کنار این دروس قرار داد تا کسانی که علاقه‌مند هستند استفاده کنند.»

نویسنده کتاب *از خاک تا افلاک* در ادامه علت چنین کم‌توجهی را القا یک نگاه و نظر توسط رسانه می‌داند که موجب دل‌زدگی نسل جوان شده است و می‌افزاید: «به علت نبود سلیقه در جامعه جوان ما رغبتی به چنین آثاری نشان نمی‌دهند و بالطبع بیشتر به خواندن آثاری که از آن منع شده‌اند تمایل نشان می‌دهند.»

سرامی در پایان می‌افزاید: «چنین بحث‌هایی یک بحث مفصل اجتماعی روان‌شناسی را می‌طلبد که نهادهای فرهنگی جامعه باید با ظرفیت بالای خود از آن استقبال کنند تا به این مطلب پرداخته شود که آزادی بیشتری در اختیار خوانندگان قرار گیرد و از محدود و منع کردن آنها بپرهیزند.»

### مهران برزگر: عدم برنامه‌ریزی صحیح عمده‌ترین مشکل ادبیات معاصر است

مهران برزگر گفت: «فرصت اندک و عدم توجه مسئولان به درس ادبیات معاصر و انقلاب از عمده‌ترین مشکلات این درس محسوب می‌شود.» صاحب کتاب *پریخانه اسرار خیال* با اشاره به کمبود منابع در زمینه ادبیات انقلاب، می‌آورد: «در واقع به ادبیات از دوران مشروطه به بعد توجه چندانی نشده و همواره این قسمت از ادبیات مهجور و مظلوم مانده، چراکه در این زمینه با عدم برنامه‌ریزی درست و کمبود کتاب‌های منسجم و تألیفات ناکافی مواجهیم.»

وی می‌افزاید: «معمولاً در دانشکده‌های ادبیات فارسی به ادبیات انقلاب و معاصر توجه چندانی نمی‌شود و این شاخه از ادبیات تنها به چند شاعر نام‌آور دوران معاصر محدود می‌شود حال آنکه با توجه به گستردگی دامنه ادبیات معاصر و چهره‌های برجسته آن حتی قابل برابری با ادبیات کلاسیک است و چهار واحد درسی پاسخ‌گوی این گستردگی نیست.»

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت ادامه می‌دهد: «اگر درسی با عنوان تحلیل ادبیات معاصر در دانشگاه ارائه شود با ایجاد فرصت بیشتر به بررسی شاخه‌های دیگر ادبیات معاصر، چون ادبیات جنگ و مقاومت، ادبیات پایداری و حماسی، نیز پرداخته می‌شود.»

این پژوهشگر ادبی در پایان گفت: «یکی دیگر از راه‌های بهبود وضعیت ادبیات معاصر گرایشی کردن این رشته با توجه به گستردگی دامنه آن و همچنین تربیت استادانی آشنا با وضعیت ادبیات معاصر و انقلاب و ویژگی‌های شعر و داستان‌نویسی معاصر است.»